

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نمناز، انس با خدا

علی رشیدی کهلان

- تقدیم ۹
- پیشگفتار ۱۱
- سخن گهربار مقام معظم رهبری ۱۵

بخش اول (اهمیت و جایگاه والای نماز)

- چرا نماز می خوانیم؟ ۲۱
- آثار ترک نماز ۲۲
- چرا بعضی ها نماز نمی خوانند؟ ۲۳
- هزار رکعت در هر روز! ۲۵
- کیفر سستی در نماز ۲۵
- اهمیت نماز در ادیان ۲۷
- اهمیت و جایگاه والای نماز در اسلام ۲۸

بخش دوم (حضور قلب در نماز)

- حضور قلب در نماز ۳۵
- تحصیل حضور قلب در نماز ۳۶
- حضور قلب امام سجاد (ع) در حال نماز ۳۹
- حضور قلب در نماز و رسیدن به معشوق واقعی (حکایت) ۳۹
- تصوّر آخرین نماز ۴۳

بخش سوّم (آثار نماز جماعت)

- ثواب نماز جماعت ۴۷
- آثار نماز جماعت ۴۷

عنوان صفحه

آثار معنوی.....	۴۸
آثار اجتماعی.....	۴۹
آثار سیاسی.....	۴۹
آثار اخلاقی، تربیتی.....	۴۹
نماز جماعت و مقاومت.....	۵۱
امام خمینی (ره) و نماز جماعت.....	۵۱
امام جماعت.....	۵۲
انتخاب امام جماعت.....	۵۴
عدالت در امام جماعت.....	۵۶

بخش چهارم (داستان‌های دل‌انگیز نماز)

نماز پیامبر(ص).....	۵۹
نماز و مشکلات.....	۵۹
نماز امام علی (ع).....	۵۹
نماز و شفاعت اهل بیت.....	۶۰
نماز ظهر عاشورا.....	۶۱
شهید راه نماز جماعت.....	۶۱
ارزش نماز اول وقت.....	۶۲
تأثیر نماز وحشت در گشایش کار اموات.....	۶۳
نماز عاشقانه ی یک بسیجی.....	۶۳
جشن تکلیف سید بن طاووس.....	۶۴
خدا را برای خدا بخوانیم.....	۶۵

عنوان صفحه

- نماز و ابن سینا ۶۶
- بی نمازها ۶۷
- شعور حیوانات ۶۷
- سی سال نماز ۶۸
- تأثیر نماز شب اول قبر ۶۸
- آفات سریع خواندن نماز ۶۹
- آیت الله دستغیب و نماز ۷۰
- نماز و عبادت آیت الله صدوقی ۷۱
- نماز شهید رجایی ۷۱
- تأثیر نماز جماعت در جوان آمریکایی ۷۲
- نماز عباد بن بشر ۷۳
- نماز و روزه بانویی ارجمند ۷۴

تقدیم:

بہ روح با عظمت و والا کی اولین شہید محراب سیدالمسلمین و
امام المتقین امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب سلام اللہ علیہ،
و بہ روح پدر و مادر عزیزم کہ اولین بار نماز را بہ من آموختند،
و بہ ہمہ کنی کہ در عصر بحران معنویت و اخلاق، دستار
مروغ فضائل اخلاق و نماز ہستند.

پیشگفتار

الهی کفیٰ بی فخرأ أن اکون لک عبداً

(امام علی^(ع) و امام سجّاد^(ع)، مفاتیح الجنان)

خدایا افتخارم همین بس که بنده‌ی تو هستم

نماز زیباترین جلوه‌ی نیایش و اظهار بندگی، رابطه‌ی مخلوق با خالق قادر و سرود توحید و یکتا پرستی است و آثار بسیار سازنده و ارزشمند در زندگی انسان دارد. آشنائی بیشتر با اسرار و فلسفه‌ی اقامه نماز با توجه به آیات نماز و مطالعه‌ی زندگانی انبیاء و ائمه^(ع) و اولیای الهی در رابطه با اینکه بزرگان دین و مقربین درگاه خداوند احدیت چگونه این فریضه الهی را انجام می‌دادند و با چه عظمتی به نماز می‌نگریستند موجب می‌شود ما هم به نماز بیشتر بها بدهیم و آن را ضایع نکنیم و قدر و منزلت انس با خدا را بیشتر بدانیم. امام صادق^(ع) می‌فرماید: نخستین عملی که در قیامت از آن بازخواست می‌شود نماز است اگر پذیرفته شد اعمال دیگر هم پذیرفته می‌شود و اگر قبول نشود کارهای دیگرش هم رد می‌شود. (بحارالانوار)

عبادت پروردگار و برقراری ارتباط در رسیدن به جایگاه امن و آرامش، نقش اساسی دارد. انس با خداوند و بندگی خداوند انسان را

از آسیب‌ها و خطرات در امان می‌دارد و کلید سعادت و آرامش روحی و روانی انسان است. خدا در قرآن می‌فرماید:

مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

و جن و انس را نیافریدیم، جز برای آنکه مرا پرستش کنند. (زاریات-۵۶)

و در سوره‌ی رعد، آیه ۲۸ می‌فرماید:

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

آگاه شوید تنها یاد خدا آرام بخش دلهاست.

بندگی و عبودیت، انسان را از خطرات و آسیب‌ها مصون می‌دارد. وقتی انسان از خطرات و آسیب‌ها دور شد، و با خدا انس گرفت و مزه‌ی عبادت و نماز را چشید به آرامش روحی و سلامت روان می‌رسد. نتایج تحقیقات فراوان نشان می‌دهد که انجام اعمال و فرایض دینی مثل نماز در کاهش تنش‌ها و تألمات (دردها) روزمره و تأمین سلامت و بهداشت روانی افراد مؤثر است. معرفت نماز، معرفت آثار و برکات و اسرار آن بسیار مهم است. در حدیث جالبی رسول اکرم^(ص) می‌فرمایند: اگر بدانی نماز چیست و با چه کسی نجوا و مناجات می‌کنی خسته نشده و به این سو و آن سو ملتفت نمی‌شوی و نماز را به اتمام نمی‌رسانی.^۱

۱- بحارالانوار، ج ۸۲ ص ۲۳۴

روزی یکی از بزرگان شخصی را در حال خوردن ساندویچ دید به طوری که کتاب کوچک جیبی را همزمان مطالعه می کرد، به ذهنش خطور کرد که اگر این کتاب بزرگ و قطور بود این شخص به مطالعه آن نمی پرداخت، فلذا بعد از آن تصمیم گرفت کتابهایش را به طور خلاصه بنویسد. بر این اساس ما نیز تصمیم گرفتیم مطالب این کتاب طولانی نباشد و در کمترین زمان بشود از آن بهره برداری کرد.

کتاب حاضر دارای ۴ بخش است. بخش اول اهمیت و جایگاه والای نماز، بخش دوم حضور قلب در نماز، بخش سوم آثار نماز جماعت و بخش چهارم حکایت های دل انگیز نماز. امید است علاقمندان و مؤمنین با مطالعه حکایت های نماز و عنایت به جایگاه والای نماز موجب ایجاد رغبت و شوق بیشتر آنها به نماز شود، و از زحمات برادر عزیز مسلم نجف زاده که حروف چینی کتاب حاضر را انجام دادند صمیمانه تشکر می نمایم.

هر چه کردی نمازت ای مسلمان

در قبر و گور تاریکی و تنها

هیچ کس نمی آید شود که همدم تو

آن وقت نماز باشد انیس و مونس تو

مراغه - علی رشیدی کهلان «زمستان ۱۳۹۰»

سخنان گهربار مقام معظم رهبری در مورد نماز

نماز در حقیقت پشتوانه‌ی مستحکم و ذخیره‌ای تمام نشدنی در مبارزه‌ای است که آدمی با شیطان نفس خود، که او را به پستی و زبونی می‌کشد و شیطان‌های قدرت که با زر و زور او را وادار به ذلت و تسلیم می‌کنند همیشه و در همه حال دارد. هیچ وسیله‌ای مستحکم‌تر و دایمی‌تر از نماز برای ارتباط میان انسان با خدا نیست. مبتدی‌ترین انسان‌ها رابطه‌ی خود با خدا را به وسیله‌ی نماز آغاز می‌کنند، برجسته‌ترین اولیای خدا نیز بهشت خلوت انس خود با محبوب را در نماز می‌جویند. این گنجینه‌ی ذکر و راز را هرگز پایانی نیست و هر که با آن بیشتر آشنا شود جلوه و درخشش بیشتری در آن می‌یابد، کلمات و اذکار نماز هر یک خلاصه‌ای است که به بخشی از معارف دین اشاره می‌کند و به طور مکرر و پی‌درپی آن را به یاد نمازگزار می‌آورد. نمازی که با تدبیر در معانی و بدون سهو و غفلت گزارده شود انسان را روزبه‌روز با معارف الهی آشناتر و به آن دلبسته‌تر می‌سازد. نورانیت نماز و رازها و رمزهای آن و درس‌هایی که در آن گنجانیده شده و اثر آن در ساختن فرد و جامعه چندان نیست که بشود در مقالی کوتاه از آن سخن گفت بلکه چنان نیست که بی‌خبری چون من بتواند از اعماق آن خبری

آورد، آنچه من با قلم قاصر و معرفت ناچیز خود می‌گویم آن است که مردم ما و جامعه‌ی ما و بخصوص جوانان ما که اکنون بار امانت سنگینی را بر دوش گرفته‌اند باید نماز را منبع قدرتی لایزال بدانند و در برابر جبهه‌ی فساد و بی‌عدالتی و کجروی که امروز بشریت را تهدید می‌کند از نماز و یاد خدا نیرو بگیرند. میدان مبارزه‌ی که امروز پیش روی ماست ما را به تکیه‌گاه مستحکم ذکر خدا و امید و اعتماد به او بیش از همیشه و بیش از همه محتاج می‌سازد و نماز آن سرچشمه‌ی جوشانی است که این امید و اعتماد و قدرت معنوی را به ما می‌بخشد. نماز با حضور و باتوجه، نمازی که از یاد و ذکر سرشار است، نمازی که آدمی در آن با خدای خود سخن می‌گوید و به او دل می‌سپارد، نمازی که والاترین معارف اسلام را پیوسته به انسان می‌آموزد، چنین نمازی انسان را از پوچی و بی‌هدفی و ضعف می‌رهاند و افق زندگی را در چشمش روشن می‌سازد و به او همت و اراده و هدف می‌بخشد و دل او را از میل به کجروی و گناه و پستی نجات می‌دهد. از این روست که نماز در همه‌ی حالات حتی در میدان نبرد و سخت‌ترین آزمایش‌های زندگی اولویت خود را از دست نمی‌دهد.

انسان همیشه به نماز محتاج است و در عرصه‌های خطر محتاج تر. حقیقت آن است که در کار معرفی نماز کوتاهی‌های زیادی شده است و نتیجه آن که نماز هنوز جایگاه شایسته‌ی خود را حتی

در نظام اسلامی ما به دست نیاورده است. این مسئولیت سنگین بر دوش دانشوران و آشنایان به معارف اسلامی است که نماز را به همه بخصوص به نسل جوان بهتر بشناسانند، از کودک دبستانی تا پژوهشگر دوره‌های عالی، هریک فراخور ذهن و معرفت خود می‌توانند در راه شناختن نماز و رازهای آن قدم‌هایی بردارند و با ناشناخته‌هایی آشنا شوند، حتی عرفای بزرگ نیز برای سالکان وادی معرفت «اسرارالصلوة» نوشته و آموخته‌اند یعنی اعماق این اقیانوس همچنان ناشناخته و پیمودنی است.

در جامعه‌ی ما فصل مهمی باید در معرفی نماز در همه‌ی سطوح گشوده شود، رسانه‌ها و بخصوص صدا و سیما با شیوه‌های گوناگون نماز را معرفی و یادآوری کنند. همه جا و همیشه در رادیو و تلویزیون نماز در اولویت گذاشته شود و شوق ایمان و عطش یاد خدا در دلها پدید آید، در کلاس‌های دروس دینی مدارس و دانشگاه‌ها درس نماز جایگاه خود را بازیابد و سخنان سنجیده و افکار بلند در بازشناسی نماز فراهم و در معرض ذهن و دل دانشجویان و دانش‌آموزان گذاشته شود. فلسفه‌ی نماز و تحلیل رازها و رمزهای آن با زبان هنر در معرض دید همگان قرار گیرد تا هر کس به قدر ظرفیت خود از آن متمتع گردد، کتاب‌ها و جزوه‌ها در سطوح مختلف و از دیدگاه‌های گوناگون به وسیله‌ی محققان و عالمان به سلک تحریر درآید و مایه‌ی کارهای هنری و ادبی گردد.

فصلی نیز باید برای آسان کردن انجام نماز گشوده شود، در همه‌ی مراکز عمومی مدارس، دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها، سربازخانه‌ها، فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های قطار، ادارات دولتی و امثال آن جایگاه‌های مناسبی برای نماز پیش‌بینی شود. مساجد و نمازخانه‌ها پاکیزه و مرتب و رغبت‌انگیز باشد، نماز در وقت فضیلت و به جماعت گزارده شود. در هر محیطی برجستگان و بزرگان آن بر دیگران پیشقدم شوند و عملاً اعتناء به نماز را به دیگران بیاموزاند و خلاصه در همه جا حرکت به سمت نماز و شتافتن به نماز محسوس باشد. با این مقدمات به خواست خداوند متعال و با توجهات و ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت ولی‌الله‌الاعظم (روحی فداه) کشور و جامعه‌ی ما به هدفهای والای نماز نزدیک می‌شود و از برکات آن بهره می‌گیرد. در پایان لازم می‌دانم از فراهم‌آوردندگان این مجمع و همه‌ی کسانی که با وقوف بر اهمیت نماز در راه اقامه‌ی آن تلاش می‌کنند مخصوصاً از جناب حجة الاسلام آقای قرائتی که دلسوزانه و عاشقانه در این راه گام برمی‌دارند صمیمانه تشکر کنم و قبول حضرت حق تعالی را برای این کوشش‌های مخلصانه مسألت نمایم. والسلام علیکم ورحمة‌الله

سید علی قلمنه‌ای ۱۳۷۰/۷/۱۶

بخش اول

اهمیت و جایگاه والای نماز

قال رسول الله (ص): **الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ**
«نماز وسیله ی نزدیک شدن انسان به خداست».

(فروع کافی، ج ۱)

چرا نماز می‌خوانیم؟

کسی که خدا را شناخته است و می‌داند که او در سرنوشت بشر و در نظام آفرینش دستگاه جهان تا کجا نفوذ دارد و می‌داند که چنین خدایی احتیاج به مخلوق ندارد خدای جهانیان هیچ نیازی نه به ما دارد و نه به عبادتمان و نه به انفاق‌مان. همه این مطالب را خداوند سبحان در یک جمله خلاصه کرده و می‌فرماید:

يا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ.

(سوره فاطر، آیه ۱۵)

مردم شما به خدا نیاز دارید و خدا نیرومند است. نماز برای تکامل انسان و انس و ارتباط با خدا و استعانت از پروردگار بی‌همتا است. علی‌علیه السلام می‌فرماید: من خدا را شایسته عبادت یافتیم و او را ستایش می‌نمایم. وَجَدْتُهُ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ. نماز برای کمال و سعادت انسان است و رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید:

الصَّلَاةُ زَادُ الْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ.^۱

نماز توشه و زاد مؤمن است از دنیا به آخرت.

۱- بحارالانوار، ج ۸۲ ص ۲۳۲

آثار ترک نماز

ترک نماز، قطع رابطه کردن با آفریدگار هستی است و در آخرت، عواقب تلخی دارد رسول خدا^(ص) فرموده است:

مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مَتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ^۱

هر که از روی عمد و با توجه نماز را رها کند، از اسلام خارج شده و کافر است. در تفسیر حقی آمده است: زنی صیحه زنان و دیوانه وار خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده و گفت: یا رسول الله اصحاب بروند تنها با شما کار دارم، اصحاب رفتند آن زن گفت یا رسول الله گناه کردم، گناهم خیلی بزرگ است. پیغمبر^(ص) فرمود: گناه هر چه باشد رحمت خداوند از آن بزرگتر است معنا ندارد کسی مایوس شود، گناهت چیست؟ گفت یا رسول الله، زنی شوهردار هستم، زنا دادم، آبستن شدم، بچه به دنیا آمد، او را در خمره سرکه خفه کردم، بعد هم سرکه‌های نجس را به مردم فروختم، پیامبر^(ص) خیلی متاثر شدند و حکم گناهِش را نیز بیان فرمود. سپس اظهار داشت می‌خواهی به تو بگویم چرا در این چاه افتادی که دیگر نمی‌توانی از آن بیرون بیایی؟ چون نماز نمی‌خوانی، رابطه‌ات با خدا قطع است، عنایت خدا روی سرت نیست از این جهت در چاه فلاکت افتادی.^۲

۱- محجة البیضاء، ج ۱ ص ۳۰۱- پرتوی از اسرار نماز ص ۸۴

۲- تفسیر حقی، ج ۱۷ ص ۴۱۷

چرا بعضی‌ها نماز نمی‌خوانند؟

عوامل ذیل هر کدام به نحوی دخیل هستند که در صورت توجه جدی به آنها در نماز خواندن فرزندان و انس آنها با پروردگار مؤثر است. در این زمینه می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

خانواده

بسیاری از خانواده‌ها در باره خواندن نماز فرزندان خود و رشد ایمانی آنها بی توجه بوده و فقط به پر کردن شکم و پوشاندن تن و مسائل رفاهی آنها می‌اندیشند. در حالی که خداوند در قرآن کریم در مورد حضرت اسماعیل^(ع) چنین می‌فرماید:

وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا

حضرت اسماعیل همیشه خانواده خویش را به نماز و زکات امر می‌کرد و او در نزد خدا بنده‌ای پسندیده هست و گانِ یامر، یعنی همیشه این کار (فرزندانش را به نماز امر می‌کرد). (سوره مریم، آیه ۵۵) در روایت آمده است که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: ما فرزندانمان را در پنج سالگی به نماز و می‌داریم شما از هفت سالگی چنین کنید.

دوستان

بعضی بر اثر همنشینی با دوستان ناباب به بی‌توجهی نسبت به نماز کشیده می‌شوند، این افراد باید بدانند که دوستی با کسانی که

دین یا نماز را مسخره می‌کنند خلاف بوده و با اراده قوی و مصمم از آنان دوری جویند.

این گونه دوستی‌ها در قیامت به دشمنی تبدیل می‌شود. به فرموده قرآن کریم که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَ
لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ
وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ

ای اهل ایمان با آن گروه از اهل کتاب و کافران که دین شما را به تمسخر و بازیچه گرفتند دوستی می‌کنید و از خدا بترسید اگر به او ایمان آورده اید. (سوره مائده، آیه ۵۷).

پس باید زمینه بی‌توجهی را در فرزندانمان به دین و نماز از بین ببریم.

اشتغالات

بعضی در توجیه اینکه چرا نماز نمی‌خوانند می‌گویند: ما گرفتاریم و کارمان زیاد است باید گفت یک چنین افرادی دارای ایمانی ضعیف هستند که این گونه نماز را بی‌اهمیت می‌شمارند.

به علاوه این اشتغالات و فعالیت‌ها برای چیست؟ مگر نه این است که هدفی را تعقیب می‌کنند و برای رسیدن به مقصودی این فعالیت‌ها صورت می‌پذیرد. باید گفت رسیدن به همه مقاصد و برطرف کردن همه نیازها به دست خداست باید به او پناه برد و از

او کمک خواست. تا گره مشکلات را بگشاید و انسان را در همه کارهایش موفق بدارد.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِذَا قَامَ الْعَبْدُ فِي الصَّلَاةِ فَخَفَّفَ صَلَاتَهُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ
أَمَا تَرَوْنَ إِلَىٰ عَبْدِي كَأَنَّهُ يَرَىٰ أَنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ بِيَدِ غَيْرِي^۱

زمانی که بنده نمازش را کوتاه می‌کند (برای کاری)، خدا به ملائکه می‌فرماید آیا نمی‌بینید بنده‌ام را مثل اینکه گمان می‌کند که برآوردن حوائجش به دست غیر من است.

هزار رکعت در هر روز!

یکی از مستحبات بعد از نماز تسبیحات حضرت فاطمه زهرا^(س) است. در روایتی معتبر از امام صادق^(ع) آمده است که: تسبیح حضرت فاطمه زهرا^(س) پس از هر فریضه برای من از هزار رکعت در هر روز محبوب‌تر است. الله اکبر ۳۴ مرتبه، الحمد لله ۳۳ مرتبه، سبحان الله ۳۳ مرتبه.^۲

کیفر سستی در نماز

حضرت زهرا^(س) از رسول خدا^(ص) پرسید: مکافات کسی که در نماز سستی می‌کند چیست؟

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱ ص ۱۷۲

۲- بحار الانوار، ج ۸۲ ص ۳۳۱ حدیث ۹

رسول خدا^(ص) در پاسخ فرمود:

الف) در زندگانی:

- ۱- برکت از کسب و مالش می رود.
- ۲- برکت از عمرش برداشته می شود.
- ۳- نور صورت و سیمای صالحان از سیمایش برطرف می شود.
- ۴- دعایش بی اثر مانده و از دعای نیکان نیز بهره و نصیبی نمی برد.
- ۵- اعمال نیکش مقبول درگاه حق قرار نمی گیرد و نتیجه نمی دهد.
- ۶- خیرات و صدقاتش قبول پیشگاه حق نخواهد بود.

ب) در حال احتضار:

- ۱- گرسنه می میرد، گرچه در میان ناز و نعمت باشد و اطعمه لذیذ در حلقش بریزند.
- ۲- تشنه می میرد، اگر چه آب او را احاطه کرده باشد.
- ۳- خوار و ذلیل می میرد و سکوت مرگ بر او بسیار دشوار می گردد، هر چند نزد مردم عزیز باشد.

ج) در قبر:

- ۱- قبرش تاریک است و تا قیامت معذب خواهد بود.
- ۲- دچار فشار قبر و تشنگی می شود.
- ۳- دری از جهنم برای عذاب دائمی به رویش گشوده می شود.

د) در قیامت:

- ۱- از قبر مانند حیوانات بیرون شده و به صورت انسان محشور نمی‌شود.
- ۲- حیاتش دشوار و به عذاب دردناک و طولانی دچار می‌شود.
- ۳- خداوند بر او به نظر لطف نمی‌نگرد و در مقابل دیدگان مردم به جهنم داخل می‌شود.^۱

اهمیت نماز در ادیان

به چند مورد به عنوان نمونه در باب جایگاه نماز در ادیان اشاره می‌شود. حضرت ابراهیم^(ع) بعد از بنای کعبه خدا دو چیز را از خداوند متعال درخواست نموده ۱- امامت که خدا هم به صورت مشروط پذیرفت، ۲- اقامه نماز، گفت:

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي وَ رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ

پروردگارا من و ذریه مرا نمازگزار گردان و دعای ما را اجابت فرما

(سوره ابراهیم، آیه ۴۰)

نگاه به نماز در حرکت حضرت موسی^(ع) هم در اول، هم در وسط و هم در آخر رسالت، نماز را مشاهده می‌کنیم.

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي نماز را مخصوصاً برای یاد ما به پا دار

آغاز پیام پیامبری موسی^(ع) با فرمان نماز است. خدا در قرآن می‌فرماید:

۱- گناهان کبیره، ج ۲ ص ۱۶۷- سفینة البحار، ج ۲، ص ۴۴

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّأْ لِقَوْمِكَ مِمَّا بَمِصْرَ بَيْوتًا وَ
أَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

و به موسی و برادرش (هارون) وحی کردیم که شما و پیروانتان در شهر مصر منزل گیرید و خانه هاتان را قبله و معبد خود قرار دهید و نماز به پا دارید و (تو هم ای رسول) مومنان را بشارت ده.

(سوره یونس آیه ۸۷)

یکی از ده فرمان خدا به موسی^(ع) در طور سینا نماز بود.

اولین سخن حضرت عیسی^(ع) در گهواره در مورد نماز است.

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا
أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا

آن طفل گفت همانا من بنده‌ی خالص خدایم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود و مرا هر کجا باشم برای جهانیان مایه‌ی برکت و رحمت گردانید و تا زنده‌ام به عبادت نماز و زکات سفارش کرد.

(سوره مریم، آیات ۳۰ و ۳۱)

و خدا از قول حضرت لقمان^(ع) نقل می‌کند:

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ اِي فَرَزَنْدَم نَمَاز رَا بَه پَا دَار (سوره لقمان، آیه ۱۷).

اهمیت و جایگاه والای نماز در اسلام

پیامبر اکرم^(ص) روز دوشنبه مبعوث شد و روز سه‌شنبه اولین اقدامش اقامه نماز بود به صورت علنی (با جماعت) خواند، در

سوره‌های اقرأ و مزمل که اولین سوره های نازل شده به پیامبر می‌باشند سخن از اهمیت نماز است. در سوره مدثر است که بهشتیان از جهنمیان سؤال می‌کنند شما چرا اهل جهنم شدید می‌گویند:

قالوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ما از نماز گزاران نبودیم. (سوره مدثر، آیه ۴۳)

و خطاب يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (سوره مزمل، آیه ۲ و ۱)

راجع به نماز شب پیامبر است. ۱۳ سال در مکه آیات احکام نازل نشده بود اما مسئله نماز بیان شده اینها حاکی از اهمیت این فرضیه الهی است.

اولین اقدام پیامبر^(ص) در هجرت به مدینه ساختن مسجد بود. پیامبر اکرم^(ص) نماز را به این موارد که مهم هستند تشبیه نموده اند:

۱- ستون: وَ هِيَ عَمُودُ دِينِكُمْ نماز ستون و پایه ی دین است^۱

۲- پرچم: عَلَمُ الْإِسْلَامِ الصَّلَاةُ نماز پرچم اسلام است^۲

۳- چهره انسان: الصَّلَاةُ وَجْهُ دِينِكُمْ نماز سیمای دین شماس^۳

۱- مستدرک، ج ۱، ص ۱۷۲

۲- کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۹

۳- فروغ کافی، ج ۱، ص ۲۷۰

۴- سر انسان: مَوْضِعُ الصَّلَاةِ مِنَ الدِّينِ كَمَوْضِعِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ^۱

نماز به منزله سر نسبت به تن است

۵- کلید بهشت: الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ^۲ نماز کلید بهشت است

رسول گرامی اسلام حساس‌ترین پیام تاریخ عمر خود را که پیام غدیر و ولایت امیرالمؤمنین^(ع) بود بعد از اقامه نماز ابلاغ فرمود.

در صحیفه علویه که دعاهاى امیرالمؤمنین^(ع) است موقعی که

حضرت علی^(ع) خودش را معرفی می‌کند می‌فرماید: من اولین

شخصی بودم که با پیامبر اکرم^(ص) نماز خواندم.

امیرالمؤمنین^(ع) به یکی از کارگزارانش می‌فرماید:

وَأَجْعَلُ أَفْضَلَ أَوْقَاتِكَ الصَّلَاةَ

نماز را در با فضیلت‌ترین وقت اقامه کن.

همه ائمه علیهم السلام راجع به نماز سفارشاتى دارند تا می‌رسیم

به امام زمان^(عج) که امام عصر^(عج) اول نماز را اقامه می‌کنند بعد

حکومت جهانی مهدویت را اعلام می‌فرمایند.

ارزنده ترین گوهر مقصود نماز است

زیبنده ترین هدیه به معبود نماز است.

فرمود علی^(ع) شیر خدا ساقی کوثر

در مکتب ما شاهد و مشهود نماز است.

۱- نهج الفصاحه، جمله ۳۰۷۵

۲- نهج الفصاحه، جمله ۱۵۸۸

این نکته رسول مدنی گفت مسلمان
 سّری که به توفیق تو افزود نماز است.
 در دادگه عدل خدا روز قیامت
 از صلح حسن^(ع) مقصد و مقصود نماز است
 از آمدن کرب و بلا
 آنچه به مقصود حسین بن علی بود نماز است.
 آن روز که آید ز پس پرده غیب
 اول هدف مهدی موعود^(عج) نماز است.

(جواد محدثی)

در زیارت آل یاسین به هر قطعه قطعه‌های نماز امام عصر^(عج) سلام
 می‌کنیم:

السَّلَامُ عَلَیْكَ حَیْنَ تَقْعُدُ وَحَیْنَ تَشْهَدُ وَحَیْنَ تَرْكَعُ...

سلام بر تو (امام زمان^(ع)) موقعی که قیام می‌کنید و موقعی که تشهد
 می‌خوانید و موقعی که به رکوع می‌روید و ...^۱

قرآن برای همه امور و هدایت بشر نازل شده است از حدود شش
 هزار آیه ۹۲۰ آیه قرآن یعنی حدود^۱ قرآن در باره اهمیت نماز و
 چیزهایی که مربوط به نماز است مثل مسجد، تیمم، وضو، غسل و
 قبله آمده است.

۱- مفاتیح الجنان، ص ۹۸۷

برای مثال: کلمه صلاة ۹۳ مرتبه آمده، کلمه ذکر ۲۸۱ مرتبه، کلمه

قبله ۷ مرتبه

عبادة ۲۷۴ مرتبه ، کلمه تسبیح ۹۲ مرتبه، کلمه تکبیر ۳ مرتبه

کلمه حمد ۵۲ مرتبه، کلمه رکوع ۱۳ مرتبه، کلمه مسجد ۲۸

مرتبه

تمامی این تأکیدات بیانگر اهمیت نماز است.

بخش دوم

حضور قلب در نماز

قال رسول الله (ص): أَعْبُدُ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ

«خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می بینی».

(مصباح الشریعه، ص ۸)

حضور قلب در نماز

روح نماز «حضور قلب» است و سزاوار است انسان از آنچه مایه‌ی پراکندگی حواس می‌شود بپرهیزد، معانی کلمات نماز را بفهمد و در حال نماز به آن توجه داشته باشد و با حال خضوع و خشوع نماز را بخواند، و بداند با چه کسی سخن می‌گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عزوجل بسیار کوچک ببیند. خشوع و خضوع، درحقیقت روح نماز است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ

همانا مؤمنان رستگار شدند آنها کسانی هستند که در نمازشان خاشعند.
(سوره مؤمنون، آیات ۱ و ۲)

خاشعون از ماده «خشوع» به معنی حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا می‌شود و آثارش در بدن ظاهر می‌گردد. برای تحصیل خشوع و خضوع و حضور قلب در نماز باید بسیار دقت شود که شرط قبولی نماز و در حقیقت جوهر و مغز

عبادتهایمان حضور قلب و خشوع است. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود:

لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ عَبْدٍ لَّا يَحْضُرُ قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ...

خدا نمی‌پذیرد نماز کسی را که در آن حضور قلب و خشوع نداشته باشد. و از پیامبر (ص) نقل شده است که همین که انسان در نماز به غیر خدا توجه می‌کند، خداوند به او می‌فرماید:

إِلَىٰ مَنْ تَقْصِدُ أَرْبَابًا غَيْرِي تُرِيدُ وَ رَقِيبًا سِوَايَ تَطْلُبُ جَوَادًا
خَلَايَ تَبْغِي؟

به که توجه می‌کنی؟ آیا پروردگار غیر از من سراغ داری؟ آیا مراقبی جز من در کار هست؟ آیا بخشنده‌ای غیر از من دل بسته‌ای؟ بخشنده‌ترین کس منم ... اگر توجه به من داشته باشی، من و فرشتگانم به تو توجه داریم.^۱

تحصیل حضور قلب در نماز

برای تحصیل خشوع و حضور قلب در نماز و سایر عبادات امور ذیل را علماء توصیه می‌نمایند:

الف: به دست آوردن آنچنان معرفتی که دنیا را در نظر انسان کوچک و خداوند را در نظر انسان بزرگ کند، تا هیچ کار دنیوی نتواند به هنگام راز و نیاز با معبود او را به خود جلب و از خدا منصرف سازد.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۳- پرتوی از اسرار نماز، ص ۸۶

ب: انتخاب محل و مکان مناسب برای خواندن نماز مثلاً در مقابل نماز گذار چیزی که جلب توجه کند، نباشد.

پ: توجه به کارهای پراکنده و مختلف معمولاً مانع تمرکز و حواس است و هر قدر انسان توفیق پیدا کند که مشغله‌های مشوش و پراکنده را کم کند به حضور قلب در عبادت خود کمک کرده است. ت: پرهیز از گناه، نیز عامل موثری است، زیرا گناه قلب را از خداوند دور می‌سازد و از حضور قلب می‌کاهد.

ث: آشنایی به معانی نماز و فلسفه افعال و اذکار نماز عامل موثر دیگری است.

ح: انجام مستحبات نماز و آداب مخصوص آن، چه در مقدمات مثل وضو و چه در اصل نماز کمک موثر در این امر است.

ج: از همه اینها گذشته این کار (حضور قلب در نماز) مانند هر کار دیگر نیاز به مراقبت و تمرین و استمرار و پی‌گیری دارد. بسیار می‌شود که در آغاز انسان در تمام نماز یک لحظه کوتاه، قدرت تمرکز پیدا می‌کند.

اما با ادامه اینکار چنان قدرت نفس پیدا می‌کند که می‌تواند به هنگام نماز دریچه‌های فکر خود را به غیر معبود مطلقاً ببندد!^۱ در حدیثی می‌خوانیم که رسول اکرم^(ص) فرمودند:

إِنَّ مِنَ الصَّلَاةِ لَمْ يَقْبَلْ نِصْفَهَا وَتُلْثَهَا وَرُبْعَهَا وَخُمْسَهَا إِلَى الْعَشْرِ..

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۱۱

نمازی هست که نصف آن پذیرفته می‌شود و نمازی هست که یک سوم یا یک چهارم یا یک پنجم یا یک دهم آن قبول می‌شود...

یعنی همان مقدار که حضور قلب است همان مقدار از نماز قبول می‌شود. در حدیثی می‌خوانیم که پیامبر اکرم (ص) مردی را دید که در حال نماز با ریش خود بازی می‌کرد فرمود:

أَمَّا لَوْ خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَشَعَتْ جَوَارِحُهُ

اگر او در قلبش خشوع بود اعضای بدنش نیز خاشع می‌شد

زیرا قلب ، سلطان اعضای تن است و چون قلب خاشع نیست و بازی می‌کند دست و پا و سایر اندام‌های بدن در حال بازی هستند. و خشوع ندارند.^۱

آری کسی که خشوع در نمازش نباشد اهل فلاح و رستگاری نیست.

دیده از خواب ناز باز کنید	رو به درگاه کارساز کنید
دستها را ز روی صدق و صفا	جانب آسمان دراز کنید
رهزنان در کمین ایمانند	در ز بیگانگان فرار کنید
پلی از سجده تا خلوص زنید	راز را هم‌ره نیاز کنید
آه را بال سوز بگشائید	روح را آشنای راز کنید
قلب را فرصت حضور دهید	اشک را وقف سوز و ساز کنید
با همان قطره‌ها وضو گیرید	با همان شستشو نماز کنید

(حسن راشدی، نماز شناسی)

۱- سفینة البحار، ج ۳، ص ۵۷

حضور قلب امام سجاد علیه السلام در حال نماز

امام سجاد^(ع) مشغول عبادت بود. یکی از بچه‌های امام از پشت بام افتاد دستش شکست. زن‌ها ریختند داد و فریاد کردند که دست بچه شکست، برویم شکسته‌بند بیاوریم. رفتند شکسته‌بند آوردند، دست بچه را بستند. بچه گریه کرد، زن‌ها ناله کردند، افراد دیگر داد و قال کردند، تمام شد. قضیه گذشت. امام بعد از آنکه از عبادت فارغ شد، آمد در حیاط، چمشش به بچه اش افتاد، دید دست او را بسته‌اند.

فرمود: چطور شده است؟ گفتند: بچه از بام افتاد، دستش شکست، شکسته بند آوردیم، دست او را بستیم در وقتی که شما مشغول نماز و عبادت بودید. امام قسم خورد که اصلاً من متوجه نشدم. پیامبر اکرم^(ص) فرمود:

أَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، وَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ

خدای را چنان عبادت کن گویا او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند.

پس از مجموع نکات یاد شده نتیجه می‌گیریم که نماز هم مثل بدن روح و جسم دارد. روح نماز عبارت است از توجه به خدا و جسم نماز عبادت است از قیام و رکوع و سجده و تشهد...^۱

حضور قلب در نماز و رسیدن به معشوق واقعی

گوهر شاد همسر شاهرخ میرزا، زنی مؤمن و با تقوی بود. مسجد گوهرشاد در کنار حرم امام رضا^(ع) معماری ارزشمندی است که به دستور او ساخته شد.

۱- آزادی معنوی، ص ۴۸

گوهرشاد زمانی که مسجد در حال ساخت بود بعضی اوقات سرکشی می‌کرد و از معماران پیشرفت کار را پرس و جو می‌کرد. روزی که برای سرکشی ساختمان آمده بود بادی وزیدن گرفت و گوشه روپندش بلند شد و یکی از کارگران چهره گوهرشاد را دید و با همان یک نگاه سخت دلباخته او شد. کارگر از شدت عشق به گوهرشاد روز به روز ضعیف و نحیف می‌شد. سرانجام مریض شد و در بستر بیماری افتاد اما او جرأت ابراز عشق را به کسی نداشت.

مادرش روزی به دیدن او رفت و با دیدن وضع رقت‌بار فرزند به گریه افتاد. کارگر راز خود را با مادرش در میان گذاشت. مادر هم برای رفع مشکل پیش گوهرشاد رفت و ماجرا را برای او تعریف نمود. گوهرشاد ابتدا از شنیدن ماجرا سخت متأثر و ناراحت شد، اما برای نجات آن جوان به مادرش پاسخ مثبت داد و گفت: ازدواج با پسرت را به شرطی می‌پذیرم که او چهل شبانه روز در محراب مسجد به نماز و عبادت مشغول شود و ثواب آن را مهریه من قرار دهد، اگر این شرط را به انجام رساند آن گاه من هم از شوهرم شاهرخ میرزا طلاق می‌گیرم و با پسرت ازدواج می‌کنم.

مادر به خانه برگشت و شرط گوهرشاد را به پسرش گفت، جوان سر از بستر بیماری بلند کرد و گفت: چهل روز که سهل است اگر یک سال هم می‌گفت قبول می‌کردم، جوان خود را آماده کرد و به محراب عبادت رفت، چهل شبانه روز با حضور قلب به عبادت و راز

و نیاز پرداخت، تأثیر معنوی نماز در این مدت در قلب و روح جوان اثر کرد و چشمه های حکمت و معنویت از قلبش جوشیدن گرفت. روز آخر گوهرشاد کسی را فرستاد تا از حال و روز جوان جويا شود، آن شخص به جوان گفت: من را گوهرشاد فرستاده تا ببیند که به شرطت عمل کردی، او هم به عهد خود عمل کند. جوان با بی‌اعتنایی تمام در پاسخ گفت: « برو به خانم بگو من هرگز حاضر نیستم برای رسیدن به وصال او از معشوق و محبوب حقیقی خود دست بردارم». گوهرشاد که بصیرت دل داشت، جوان عاشق را با تردید هوشمندانه از عشق مجازی به عشق حقیقی هدایت نمود و لذت عبادت با خدای مهربان را به او چشاند.^۱

اگر لذت ترک لذت بدانی
دگر لذت نفس، لذت نخوانی
هزاران در از خلق بر خود ببندی
گرت باز باشد در آسمانی
تو این صورت خود چنان می‌پرستی
که تا زنده‌ای ره به معنی ندانی
سفرهای علوی کند مرغ جانت
گراز چنبر آرز، بازش رهایی

۱- نماز نیاز من، ص ۷۸

ولیکن تو را صبر عنقا نباشد
که در دام شهوت به گنجشک مانی
چنان می روی ساکن و خواب در سر
که می ترسم از کاروان باز مانی
وصیت همین است جان برادر
که اوقات ضایع مکن تا توانی
همه عمر تلخی کشیده است «سعدی»

که نامش برآمد به شیرین زبانی

(غزلیات سعدی)

بنابراین حضور قلب در نماز شرط اصلی قبولی است و نیز بهره‌وری از آثار و برکات نماز در گرو حضور قلب است، زیرا نماز بی حضور قلب، نه معراج خواهد بود نه بازدارنده از بدیها. نماز خالصانه و با حضور قلب بازدارنده از گناه است و خداوند متعال می‌فرماید:

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (سوره عنکبوت، آیه ۴۵)

و امام صادق^(ع) در باره‌ی این آیه می‌فرماید: هر کس دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه؟ ببیند که آیا نمازش او را از گناه و زشتی باز داشته یا نه؟ پس هر قدر که نمازش او را از گناه باز داشته، به همان اندازه نمازش قبول شده است.^۱

۱- پرتوی از اسرار نماز، ص ۶۱

تصور آخرین نماز

اجل انسان برای خود او و برای هیچ کس دیگر غیر از خدا مشخص نیست و نمی‌داند کی، کجا، و چگونه می‌میرد. حال اگر انسان همیشه در انتظار مرگ باشد و چنگال مرگ را بر سر خود ببیند قطعاً نماز و عبادات او شکل و محتوای بهتری خواهد داشت و قطعاً از گناهان و معاصی ریز و درشت اجتناب خواهد نمود. حال اگر انسان در حال نماز احساس کند این آخرین نماز اوست و در واقع این نماز وداع او می‌باشد چه حالتی به او دست می‌دهد؟ و نماز را چگونه به جای می‌آورد؟ به همین خاطر گفته‌اند: انسان باید با تصوّر اینکه آخرین نماز اوست، نماز بخواند. حضرت علی^(ع) می‌فرمایند: «زمانی که یکی از شما به نماز می‌ایستد، باید چون نماز شخص وداع کننده نماز بخواند.»^۱

خدایا ما را از نمازگزاران واقعی قرار ده و خشوع و خضوع در عبادت را به ما مرحمت فرما.

بخش اول و بخش دوم کتاب حاضر قبلاً به صورت مقاله به اجلاس سراسری نماز سال ۱۳۸۴ ارسال شده بود.

۱- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۳۹- چپستی و چرابی و چگونگی نماز، ص ۱۰۲

بخش سوم

آثار نماز جماعت

قال رسول الله (ص): صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ
أَرْبَعِينَ سَنَةً. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! صَلَاةُ يَوْمٍ؟ فَقَالَ (ص): صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ

«یک نماز جماعت، بهتر از چهل سال نماز فرادی در خانه است.
پرسیدند: آیا یک روز نماز؟ فرمود: بلکه یک نماز».

(مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۸۸)

ثواب نماز جماعت

در روایت است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند هر رکعت نماز ثواب یکصد و پنجاه نماز دارد، اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعت ثواب ششصد نماز را دارد و هر چه بیشتر شوند ثواب آنان بیشتر می‌شود تا به مرز ده نفر برسند. عده‌ی آنها که از ده گذشت اگر تمام آسمان‌ها کاغذ و تمام دریاها مرکب و درخت‌ها همه قلم و جن و انس و ملائکه نویسند شون نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

در حدیث وارد است: هر که نماز جماعت را دوست بدارد، خداوند و فرشتگان او را دوست می‌دارند.

در زمان پیامبر اکرم (ص) هرگاه از افراد حاضر در نماز جماعت کاسته می‌شد، می‌فرمودند: شرکت در نماز صبح و عشاء بر منافقان از هر چیز سنگین‌تر است. (توضیح المسائل ۱۲ مرجع / مسئله ۱۴۰۰)

آثار نماز جماعت

برپایی فریضه‌های دینی به صورت دسته جمعی، غیر از پاداش‌های فراوانی که یاد شد، در زندگی فردی و اجتماعی امت مسلمان نیز، آثار مثبت و فراوانی دارد که به برخی اشاره می‌شود:

۱- آثار معنوی

بزرگترین اثر معنوی نماز جماعت، همان پاداش‌های الهی است که گفته شد. روایت است که شبی، علی^(ع) تا سحر به عبادت مشغول بود. چون صبح شد، نماز صبح را به تنهایی خواند و استراحت کرد. رسول خدا^(ص) که آن حضرت را در جماعت صبح ندید، به خانه‌ی او رفت. فاطمه^(س) از شب زنده‌داری علی^(ع) و عذر او از نیامدن به مسجد سخن گفت. پیامبر فرمود: پاداشی که به خاطر شرکت نکردن در نماز جماعت صبح، از دست علی رفت، بیش از پاداش عبادتِ تمام شب است.^۱

رسول خدا^(ص) فرموده است:

لَأُصَلِّيَ الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُصَلِّيَ لَيْلَتِي حَتَّى أَصْبِحَ
اگر نماز صبح را به جماعت بخوانم، در نظرم محبوب‌تر از عبادت و شب زنده‌داری تا صبح است.^۲

به خاطر همین فضیلت و پاداش هاست که اگر تعداد نمازگزاران از ده نفر بیشتر شود، اگر تمام آسمان‌ها کاغذ و دریاها مرکب و درخت‌ها قلم شود و فرشتگان بنویسند، پاداش یک رکعت آن را نمی‌توانند بنویسند و نماز جماعت با تأخیر، بهتر از نماز فرادی در اول وقت است. (توضیح المسائل امام (قدس سره))

۱- سفینة البحار، ج ۱، کلمه جماعت

۲- کنز العمال، ج ۸، حدیث ۲۲۷۹۲

۲- آثار اجتماعی

نماز جماعت، مقدمه‌ی وحدت صفوف و نزدیکی دل‌ها و تقویت کننده روح اخوت است. نوعی حضور و غیاب بی تشریفات، و بهترین راه شناسایی افراد است.

نماز جماعت، بهترین، بیشترین، پاک‌ترین و کم خرج‌ترین اجتماعات دنیاست و نوعی دید و بازدید مجانی و آگاهی از مشکلات و نیازهای یکدیگر و زمینه ساز تعاون اجتماعی بین آحاد مسلمین است.

۳- آثار سیاسی

نماز جماعت، نشان دهنده‌ی قدرت مسلمین و الفت دل‌ها و انسجام صفوف است. تفرقه‌ها را می‌زداید، بیم در دل دشمنان می‌افکند، منافقان را مأیوس می‌سازد، خار چشم بدخواهان است. نماز جماعت، نمایش حضور در صحنه و پیوند «امام» و «امت» است.

۴- آثار اخلاقی، تربیتی

در نماز جماعت، افراد در یک صف قرار می‌گیرند و امتیازات موهوم صنفی، نژادی، زبانی، مالی و ... کنار می‌رود. صفا و صمیمیت و نوع دوستی در دل‌ها زنده می‌شود و مؤمنان، با دیدار یکدیگر در صف عبادت، احساس دلگرمی و قدرت و امید می‌کنند. نماز جماعت، عامل نظم و انضباط، صف بندی و وقت شناسی است.

روحیه فرد گرایی و انزوا و گوشه‌گیری را از بین می‌برد و نوعی مبارزه با غرور و خودخواهی را دربردارد.

نماز جماعت، « وحدت» در گفتار، جهت، هدف و امام را می‌آموزد و از آنجا که باید پرهیزکارترین و لایق‌ترین اشخاص، به امامت نماز بایستند، نوعی آموزش و الهام دهنده‌ی علم و تقوا و عدالت است. نماز جماعت، کینه‌ها و کدورت‌ها و سوءظن‌ها را از میان می‌برد و سطح دانش و عبودیت و خضوع را در جامعه‌ی اهل نماز، افزایش می‌دهد.

به خاطر این همه آثار است که به نماز جماعت، آن همه توصیه شده است. حتی نابینایی وقتی از حضور پیامبر، اجازه خواست که به مسجد نیاید، آن حضرت فرمود: از خانه تا مسجد ریسمانی ببندد و به کمک آن، خود را به نماز جماعت برساند.^۱ و نیز، نابینایانی که اجازه‌ی ترک شرکت در نماز خواستند، رسول خدا (ص) اجازه نفرمود.^۲

از طرف دیگر، برخورد شدید نسبت به کسانی که به نماز جماعت اهمیت نمی‌دهند، نشان دیگری بر اهمیت و سازندگی آن است. در حدیث است که به چنین کسانی، همسر ندهید (سفینة البحار) و معرف آنان نشوید.

لازم است به دو حکایت جالب در مورد اهمیت نماز جماعت اشاره

۱- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۷

۲- کنز العمال، ج ۸، ص ۲۵۵

کنیم:

نماز جماعت و مقاومت

مرحوم حاج آقا ابوترابی نقل می‌کند:

روزی یکی از سربازان بعثی مشاهده کرد چند نفر از اسراء در حال خواندن نماز جماعت می‌باشند. یکی از آنها را به قدری با مشت و لگد زد که به زمین افتاد. در همین حال خیال کرد سه نفر دیگر فرار کرده‌اند، اما وقتی به سوی آن‌ها برگشت دید آن‌ها هنوز با آرامش مشغول نماز جماعت هستند، بیشتر ناراحت شد کابل را بالا برد تا بزند ولی خجالت کشید، کابل را پایین آورد و به زمین انداخت و بی اختیار گفت: الله اکبر.^۱

امام خمینی و نماز جماعت

ظهر روزی که شهید مصطفی خمینی فرزند گرانقدر امام(ره) به شهادت رسیده بود، منزل امام پر بود از کسانی که از دور و نزدیک برای عرض تسلیت به محضر ایشان آمده بودند، اذان ظهر که شد امام برخاست و وضو گرفت و برای نماز جماعت به مسجد رفت. غافلگیر شده بودم، فکر نمی‌کردم امام آن روز برای نماز جماعت به مسجد برود. فوراً یک نفر را فرستادم که خادم مسجد را از رفتن امام با خبر کند اما گویا خادم مسجد در آنجا نبود و آن شخص سریع سجاده‌ای را از همسایه‌ها برای امام فراهم می‌کند.

۱- نماز، پرواز به سوی بی‌نیاز، ص ۴۴

مردم شریف نجف وقتی متوجه شدند امام به مسجد آمده، گروه گروه برای عرض تسلیم به مسجد وارد شدند. مردم وقتی امام را دیدند که به صلابت کوه ایستاده و گریه نمی‌کند به شدت تحت تأثیر قرار گرفتند و گریه می‌کردند. امام با وقار تمام نماز جماعت ظهر و عصر را خواند و پس از نماز در مسجد روضه خوانی شروع شد.^۱

امام جماعت

در نماز جماعت، آنکه جلو می‌ایستد و مردم به او اقتدا می‌کنند «امام» نام دارد.

بعضی نیز به او «یشوا» می‌گویند. در نظام اجتماعی سیاسی اسلام، آنکه پیشوایی جمعی را به عهده دارد، باید از یک سری فضیلت‌ها و برتری‌ها برخوردار باشد، تا فضایل او، الهام بخش دیگران نیز باشد. در نماز جماعت نیز، پیشنهاد، باید در علم و عمل و تقوا و عدالت، برتر از دیگران باشد.

در حدیث می‌خوانیم:

فَقَدِّمُوا أَفْضَلَكُمْ وَفَقَدِّمُوا خِيَارَكُمْ^۲

یعنی با فضیلت‌ترین و بهترین خودتان را جلو بیاندازید و به او اقتدا کنید.

احادیث، در این باره بسیار است. به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

۱- سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی(ره)، ص ۶۵- چپستی، چرایی و چگونگی نماز، ص ۹۷

۲- من لا یحضر، ج ۱، ص ۳۷۷

امام جماعت باید کسی باشد که مردم به ایمان و تعهد او اطمینان داشته باشند.^۱

امام صادق^(ع) فرمود: امام جماعت، رهبری است که شما را به سوی خدا می برد، بنگرید که به چه کس اقتدا می کنید.^۲

ابوذر فرمود: امام شما، در قیامت، شفیع شماست. پس شفیع خودتان را از افراد سفیه و فاسق قرار ندهید.^۳

اقتدا کردن به افراد ناشناخته و آنان که در دین یا امامت، غلو می کنند، نهی شده است. (مستدرک الوسائل) افرادی که در جامعه، به خاطر گناه علنی، شلاق خورده اند، یا از طریق نامشروع، به دنیا آمده اند، حق امام جماعت شدن ندارند.^۴

امام جماعت، باید مورد قبول مردم باشد، وگرنه آن نماز، مورد قبول درگاه خداوند نیست.^۵

امام صادق^(ع) در تفسیر این آیه ی شریفه:

خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ

هنگام رفتن به مسجد، زینت خود را به همراه داشته باشید.

(سوره اعراف، آیه ۳۱)

فرمود: زینت مسجد، پیشوای شایسته و امام جماعت مسجد است.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۹۰

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۹۰

۳- وافی، ج ۲، ص ۱۷۷

۴- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۹۱

۵- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۹۲

البته پوشیدن لباس پاک و داشتن وقار و عطر زدن و... نیز در روایاتی به عنوان « زینت مسجد » آمده است.

امام باقر^(ع) فرمود: امام جماعت باید از افراد اندیشمند و صاحب فکر باشد.^۱

رسول خدا^(ص) فرمود: کسی که پشت سر امام عالم نماز بخواند، گویا پشت سر من و حضرت ابراهیم، نماز خوانده است.^۲
امام جماعت، باید مراعات ضعیف‌ترین افراد را بکند و نماز را طول ندهد.^۳

رسول خدا^(ص) فرمود: وقتی کسی در نماز پیشوای مردم شد نماز را در حداقل وقت بخواند که در میان جماعت کوچک و بزرگ و بیمار و ناتوان و حاجتمند هست و هر وقت برای خود نماز گذارد هر چه خواهد طول دهد.^۴

انتخاب امام جماعت

از آنجا که در امام جماعت، برتری و فضیلت بر دیگران شرط است، اگر در موقعیتی، چند نفر شایستگی آن را داشتند که به آنان اقتدا شود، بازهم اوصاف و شرایطی به عنوان اولویت در روایات مطرح است که آموزنده است و گرایش به ارزشها و انتخاب بهتر را می‌آموزد. از جمله :

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۹۲

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۸۱

۳- من لا یحضر، ج ۱، ص ۳۸۱

۴- نهج الفصاحه، ص ۲۳۷

- ۱- کسی که قرائت نمازش بهتر باشد اَقْرَأَهُمْ.
 - ۲- کسی که در هجرت، پیشقدم باشد اَقْدَمُهُمْ هِجْرَةً.
 - ۳- کسی که دین شناس تر و در مراتب علمی برتر باشد.
اَعْلَمُهُمْ بِالسُّنَّةِ وَ اَفْقَهُهُمْ فِي الدِّينِ.
 - ۴- کسی که سن بیشتری داشته باشد فَاكْبَرُهُمْ سِنًا.
 - ۵- کسی که انس او با قرآن بیشتر باشد.
 - ۶- کسی که زیباتر و خوشروتر باشد.
 - ۷- صاحب منزل، از مهمان در امام جماعت شدن مقدم است.
 - ۸- امام جماعت دائمی، بر افراد تازه وارد به مسجد، مقدم است.
- در میان امتیازات، به مسئله «عالم بودن» بیش از هر چیزی تکیه شده است. این دانایی و اعلمیّت، در همه‌ی مواردی که نوعی رهبری و پیشوایی در کار است، شرط و امتیاز است.
- در حدیث است:

مَنْ صَلَّى بِقَوْمٍ وَ فِيهِمْ مَنْ هُوَ اَعْلَمُ مِنْهُ لَمْ يَزَلْ اَمْرُهُمْ اِلَى السُّفَالِ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۱

کسی که امامت نماز و پیشوایی گروهی را به عهده گیرد، در حالی که میان آنان، داناتر از او هم باشد، وضع آن جامعه تا قیامت، همواره رو به سقوط و پستی است.

۱- من لا یحضر، ج ۱، ص ۳۷۸

البته همچنانکه در حدیثی گذشت، امام جماعت باید مورد پذیرش و قبول مردم باشد. این مقبولیت، از راه علم و پاکی و عدالت و تواضع و اخلاق نیکو به دست می‌آید.

نباید غفلت داشت که گاهی دشمنان و اهل نفاق، برای ضربه زدن به اسلام و روحانیت، امام جماعتی را با شایعه و تهمت و دروغ، بدنام می‌کنند تا او را به انزوا بکشند. هشیاری مردم، خنثی کننده‌ی این نقشه‌ی شیطانی است. پشت سر کسی نباید به جماعت ایستاد که با فسق و گناه و بدرفتاری، مقبولیت خود را از دست داده است، نه آنکه دست‌های مرموز دشمن، او را از نظرها انداخته باشد...!^۱

عدالت در امام جماعت

از شرایط امام جماعت، عادل بودن است عدالت را در کتب فقهی تعریف کرده‌اند. فقهای گران‌قدر، از جمله حضرت امام خمینی (قدس سره) می‌فرمایند:

عدالت، یک حالت درونی است که انسان را از ارتکاب گناهان کبیره، و تکرار و اصرار نسبت به گناهان صغیره باز دارد.^۲
پاکی، تقوا، دوری از گناه، از نشانه‌های عدالت است.^۳

۱- پرتوی از اسرار نماز، ص ۲۱۷-۲۱۱

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، بحث امام جماعت

۳- پرتوی از اسرار نماز، ص ۲۱۷

بخش چهارم

داستان های دل انگیز نماز

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ ...

به درستی که در داستان های ایشان عبرتی برای
خردمندان بوده است.

(سوره یوسف، آیه ۱۱۱)

نماز پیامبر^(ص)

صدای اذان برای رسول خدا چنان جاذبه داشت که هنگام اذان به بلال می‌فرمود: ما را از غم و اندوه و تلخی رهایی بخش. حضرت می‌فرمود: گرسنه از غذا سیر و تشنه از آب، سیراب می‌شود، ولی من از نماز سیر نمی‌شوم.^۱

نماز و مشکلات

نبی اکرم^(ص) وقتی برای اهل بیتش مشکلی پیش می‌آمد، می‌فرمود: ای اهل من! نماز بخوانید، نماز بخوانید.^۲ (مکارم الاخلاق)

نماز امام علی^(ع)

در مورد حضرت علی^(ع) آمده است که در یکی از جنگ‌ها تیری به پای آن حضرت فرو رفته بود و بیرون آوردن آن ممکن نمی‌شد. فاطمه^(س) فرمود: آن را در حال نماز از پایش بیرون آورید، زیرا در آن حال، آنچه بر او می‌گذرد احساس نمی‌کند. بر اساس سفارش فاطمه^(س) هنگامی که امام مشغول نماز بود، تیر را از پایش بیرون کشیدند.^۳

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۴

۲- مکارم الاخلاق، ص ۵۲

۳- محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۹۷

این قضیه در روایت دیگر چنین بیان شده است:
در یکی از جنگ‌های صدر اسلام، تیری به پای حضرت علی^(ع) اصابت کرده بود. پزشکان هر چه کردند نتوانستند آن را از پای مبارکش خارج کنند. حضرت از ناحیه پا احساس درد شدیدی می‌نمودند. اصحاب آن امام که می‌دیدند عرق از پیشانی ایشان روان است به فرزند گرامی ایشان مراجعه کردند، آن حضرت فرمودند: تیر را هنگام نماز از پای پدرم بیورید. فرمودند: چون ایشان هنگام نماز متوجه آنچه بر او می‌گذرد نخواهد شد. امام مشغول نماز شد و پزشکان تیر را از پای مبارک خارج کردند بدون اینکه دردی احساس کند.^۱

نماز و شفاعت اهل بیت^(ع)

ابو بصیر می‌گوید: پس از شهادت امام صادق^(ع) برای عرض تسلیت به خانه امام رفتیم. تا چشم «ام حمیده» مادر امام کاظم^(ع) به من افتاد اشک‌های وی جاری شد من نیز گریه کردم. سپس ام‌حمیده جریان زیر را نقل کرد: ابوبصیر! تو در آخرین لحظات زندگی امام صادق^(ع) نبودی، قضیه عجیبی اتفاق افتاد. موقعی که پلک‌های امام روی هم بود ما کم کم از او قطع امید کردیم. ناگهان امام دیدگان خود را باز نمود و دستور داد خویشاوندان وی را حاضر کنیم، ما همّت کردیم و همه را در کنار بستر امام حاضر نمودیم، همه

۱- محجة البیضاء، ج ۱، ص ۹۷- داستان‌های شیرین نماز، ص ۱۹

منتظر بودند که امام چه سخن پراهمیتی در این لحظات خواهد گفت. وقتی امام اجتماع فشرده را دید فرمود: شفاعت ما نصیب کسانی که به نماز اهمیت نمی‌دهند نمی‌شود.^۱

نماز ظهر عاشورا

در ظهر عاشورا در هنگامی که گرمای هوا همه را کلافه کرده بود، خصوصاً تشنگی به اوج خود رسیده بود ابو ثمامه به امام حسین (ع) عرض کرد: جانم فدای شما! اکنون وقت نماز است و دوست دارم هنگام ملاقات با خدا نماز ظهر را خوانده باشیم. امام فرمود: خداوند تو را از نمازگزاران قرار دهد. ما را به یاد نماز انداختی، آری اکنون وقت نماز اول وقت است. امام به نماز ظهر ایستاد. دو تن از یاران دلاور و شجاع آن حضرت به نام‌های «زهیربن قین» و «سعیدبن عبدالله» در مقابل نمازگزاران ایستادند تا در برابر دشمنان آنها را محافظت کنند. آری، ظهر عاشورا تیرها به سوی اقامه کنندگان نماز به پرواز درآمد و آنان را هدف گرفت.^۲

شهید راه نماز جماعت

سعیدبن عبدالله همراه زهیربن قین به فرمان امام حسین (ع) در ظهر عاشورا به عنوان سپری پیش روی امام و یارانش ایستاد تا آنها نماز

۱- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۰۵

۲- جلاء العیون، ج ۲، ص ۱۸۸

جماعت به جای آوردند.

دشمن برای برهم زدن نماز جماعت بارانی از تیر به سوی نمازگزاران باراند، اما هر تیری که به سوی حضرت رها می‌شد، این سعیدبن عبدالله بود که با حرکت به موقع بدن خویش، آن تیر را به جان می‌خرید، و اجازه نمی‌داد به حضرت اصابت کند. نماز پایان یافت و سعید روی زمین افتاد.

پس از شهادتش جز زخم‌های شمشیر و نیزه، ۱۳ چوبه‌ی تیر بر بدنش یافتند.^۱

ارزش نماز اول وقت

آقای مصباح می‌گوید: آیت الله بهجت از مرحوم آقای قاضی (ره) نقل می‌کردند که ایشان می‌فرمود: « اگر کسی نماز واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالیه نرسد مرا لعن کند! و یا فرمودند: به صورت من تف بیاندازد».

اول وقت سرّ عظیمی است. حَافِظُوا عَلَی الصَّلَاةِ (سوره بقره، آیه ۲۳۸) - در انجام نمازها کوشا باشید.

خود یک نکته‌ای است غیر از اَقِمْوُ الصَّلَاةَ (سوره بقره، آیه ۴۲)

- نماز را بپا دارید.

و همین که نمازگزار اهتمام داشته باشد و مقید باشد که نماز را اول وقت بخواند فی حدّ نفسه آثار زیادی دارد، هر چند حضور قلب

۱- منتهی الآمال، ج ۱، ص ۵۳۴

هم نباشد.^۱

تأثیر نماز وحشت در گشایش کار اموات

آقای قدس می‌گوید: روزی آیت الله بهجت پیرامون تأثیر عمل نیک و قبول شدن عمل خالص فرمودند: مرحوم آیت الله حاج شیخ فتحعلی کاظمینی (از آیات عظام و جامع فقه و اصول و عرفان) که در حرم کاظمین تدریس می‌کرد، خیلی از اوقات در اثنای درس ایشان، میت می‌آوردند و دفن می‌کردند و رسم آقا هم این بود شبها نماز وحشت برای آنان می‌خواند.

یکی از بزرگان کاظمین شبی یکی از بستگان خود را در خواب می‌بیند و از حال او می‌پرسد. وی می‌گوید: وضعم خراب بود، نماز آقا به دادم رسید و موجب گشایش کار من شد.

نماز عاشقانه ی یک بسیجی

یکی از نیروهای عمل کننده در عملیات والفجر مقدماتی نقل می‌کند: وقتی از عملیات بر می‌گشتم، از پشت خاکریز ناله‌ای به گوشم خورد. کنجکاو شدم، جلوتر رفتم، دیدم یکی از بچه‌ها کنار خاکریز ایستاده و تن و بدنش پر از خون است، نزد او رفتم و پرسیدم چیزی لازم داری؟ چه کمکی از من بر می‌آید؟ گفت: چیزی نمی‌خواهم، اگر آب مقداری داری بده تا نمازم را با وضو بخوانم، چند روز است که بدون وضو و با تیمم نماز می‌خوانم.

۱- برگگی از دفتر آفتاب، ص ۲۰۱

از آن همه عزت نفس و بزرگواری و ایمان آن جوان رزمنده، شرمنده شدم، می‌دیدم که چند روز است که آب ندارد و از حالتش معلوم بود که سخت تشنه است، ولی تشنگی را به روی خودش نمی‌آورد، دنبال آب بود که بتواند وضو بگیرد و نمازش را با وضو بخواند.^۱

جشن تکلیف سید بن طاووس

مردم گروه گروه به طرف منزل سید بن طاووس می‌رفتند، کوچه شلوغ بود. شاگردان سید نمی‌دانستند که جشن به چه مناسبتی برگزار می‌شود. هر کدام در ذهن خود گمانی می‌زد اما از آن مطمئن نبود، یکی می‌گفت لابد عید است و ما نمی‌دانیم، دیگری مناسبتی دیگر را حدس می‌زد، اما همگی سید را خوب می‌شناختند و می‌دانستند حتماً آن جشن مناسبتی ویژه دارد. منزل سید پر بود از جهت ذکر صلوات و قرائت، شعر در مدح ائمه فضای خانه را پر کرده بود و در این میان تنها سید بود که می‌دانست آن جشن برای چیست؟

سکوت سید طاقت شاگردان را طاق کرده بود. سرانجام یکی از آن‌ها پرسید: اگر مناسبت جشن را بدانیم خوشحال خواهیم شد تبسم شیرین بر چهره سید نقش بست و گفت: امروز یکی از بهترین روزهای عمر من است. چندین سال پیش در چنین روزی من به سن تکلیف رسیدم و لیاقت آن را پیدا کردم که مورد خطاب

۱- بهترین پناهگاه، ص ۱۳۴- قصه‌های نماز، ص ۱۳۴

خداوند رحمان باشم و به ادای تکلیف الهی بپردازم از این جهت
من هر سال این روز را جشن می گیرم.^۱

خدا را برای خدا بخوانیم

نقل می کنند: سلطان محمود غزنوی برای آزمایش درباریانش که
چقدر به او وفادارند، کاروانی به راه انداخت و صندوق جواهری را
بر شتری نهاد، اما درب آن را قفل نکرد. در مسیر راه به دره ای
رسیدند، او شتر را رم داد، صندوق برگشت و جواهرات به دره
سرازیر شد.

سلطان گفت: هر کس هر جواهری به دستش رسید از آن او باشد.
اطرافیان شاه او را رها کردند و به سراغ جمع کردن جواهرات
رفتند. در این میان دید که ایاز جواهرات را رها کرده و به دنبال
سلطان آمده است از او پرسید: تو چرا به سراغ جواهر نرفته ای؟ ایاز
در جواب گفت:

منم در قفای تو می تاختم

ز خدمت به نعمت نپرداختم

آنگاه مولوی از این ماجرا نتیجه گیری می کند و می گوید:

گراز دوست چشمت به احسان اوست

تو در بند خویشی نه در بند دوست

۱- آشنایی با چستی نماز، ص ۷۶

خلاف طریقت بود کاولیاء

تمنّا کنند از خدا جز خدا

قرآن از کسانی که خدا را به خاطر خود می‌خوانند و فقط در مشکلات به سراغ او می‌روند و در وصف آن‌ها می‌گوید:
«هر گاه بر کشتی سوار و در آستانه غرق شدن قرار می‌گیرند، با اخلاص خدا را می‌خوانند اما همین که به خشکی پا گذاشتند و نجات یافتند مشرک می‌شوند». (سوره عنکبوت، آیه ۶۵)

نماز و ابن سینا

ابن سینا که علم و حکمت و طبابت او شهره آفاق است می‌گوید: من شخصاً به مطالعه کتاب‌های طبیعی و الهی مشغول می‌شدم و درهای حکمت به روی من گشوده می‌شد، و به طب هم مراجعه می‌کردم و چون علم پزشکی نسبت به علوم دیگر آسانتر بود در اندک زمانی مهارت پیدا کردم به طوری که برترین پزشکان به شاگردی من گرویدند. علاوه بر آن عملاً نیز به مراجعه بیماران می‌پرداختم. با همه‌ی تفکر و تدبیر تمام، هر وقت که مسائل به اجتهاد خودم حل نمی‌شد و صغری و کبری چیدن‌هایم به نتیجه مطلوب نمی‌رسید صورت نیاز را به خاک گذاشته و به درگاه خالق عالم نماز می‌گذاردم و آنقدر گریه و زاری می‌نمودم تا اینکه فروغ ایزدی، تاریک را روشن و مشکل را آسان و بسته را می‌گشود.^۱

۱- نمونه‌های معرفت، ص ۳۰۳

بی نمازها

رسول اکرم^(ص) فرمودند: روزی جبرئیل^(ع) برای ادای وحی به نزد آمد. هنوز آنچه را که باید بگوید تمامش را نخوانده بود که ناگهان آوازی سخت و صدایی هولناک برآمد. پرسیدم: این چه آوازی بود؟ گفت: یا رسول الله^(ص)! خدای تعالی در جهنم چاهی قرار داده است که سنگ سیاهی در آن انداختند. اکنون پس از سیزده هزار سال آن سنگ به زمین آن چاه رسید. پرسیدم: آن چاه جایگاه چه کسانی است؟ فرمود: بی نمازان و شرابخواران.^۱

شعور حیوانات

روزی پیامبر اکرم^(ص) به همراه عده ای از اصحاب خود از جایی عبور می کردند. ناگهان سگی شروع به پارس کردن نمود. پیامبر^(ص) ایستاد و به پارس سگ گوش داد. اصحاب نیز توقف کردند. آنگاه رو به یاران خود کرد و فرمود: آیا فهمیدید که این سگ چه گفت؟ اصحاب گفتند: خیر!

پیامبر^(ص) فرمود: این حیوان گفت: ای پیغمبر خدا! من همیشه خدای مهربان را شکر می کنم که بهره ی من در این جهان خلقت، این شد که سگ شوم، اگر انسان بی نماز بودم، چه می کردم؟^۲

۱- داستان های شیرین نماز، ص ۲۰

۲- بهترین پناهگاه، ص ۲۹

سی سال نماز

شخصی اهل مسجد و نماز بود و نماز جماعتش ترک نمی‌شد و به قدری مقید بود که زودتر از دیگران به مسجد می‌آمد و در صف اول نماز جماعت قرار می‌گرفت.

یک روز کاری برایش پیش آمد، و باعث شد اندکی دیر به مسجد برسد، هنگام ورود متوجه شد در صف اول جایی برای ایستادن نیست، مجبور شد در صف آخر قرار بگیرد ولی پیش خودش خجالت می‌کشید و آثار شرمندگی در چهره‌اش پدیدار بود. با خود گفت: چرا در صف آخر قرار گرفتم؟ وای بر من!

ناگهان به خود آمد که نماز صف اول و آخر ندارد اصل روح عبادت است که باید خالص باشد، پس معلوم می‌شود این سی سال که من نماز در اول صف می‌خواندم نه برای ثواب، بلکه از روی ریا می‌باشد وگرنه نباید از اینکه در صف آخر قرار گرفته‌ام نگران باشم، همان موقع توبه کرد و تصمیم گرفت نمازهای سی ساله که از روی ریا بوده است را قضا کند.^۱

تاثیر نماز شب اول قبر

حاج ملا فتحعلی سلطان آبادی نقل کرده‌اند: عادت و طریقه‌ی من بر آن بود که هر کسی از دوستان را که خبر فوتش را می‌شنیدم، دو رکعت نماز در شب دفن او برایش می‌گزاردم. و هیچ کس بر این

۱- استعاذه، ص ۱۴۳- داستان‌های شیرین نماز، ص ۲۸

طریقه‌ی من مطلع نبود، تا روزی که یکی از دوستان مرا در راهی ملاقات کرد و گفت: دیشب خواب فلان شخص را دیدم، که در این روزها فوت کرده است. از حالش و آنچه بعد از مردن بر او گذشته بود پرسیدم. گفت: من در سختی و بلا بودم و کارم به عقاب و عتاب بود تا اینکه فلانی (اسم ملا فتحعلی سلطان آبادی را می‌برد) نمازی برایم خواند و آن دو رکعت مرا نجات داد خدا پدرش را رحمت کند با این احسانی که در حق من کرد.^۱

آفات سریع خواندن نماز

امام صادق^(ع) فرمود: امام علی^(ع) به مردی که نمازش را به سرعت می‌خواند، نگاه کرد. امام پرسید: از چه وقتی اینطور نماز می‌خوانی؟

مرد پاسخ داد: از فلان وقت تا به حال.

امام فرمودند: مثل (نماز خواندن) تو در پیش خداوند مثل کلاغی است که (به سرعت) از زمین دانه می‌چیند، اگر تو به این حالت بمیری، به غیر دین پیامبر اسلام مرده‌ای.

امام فرمودند: همانا که دزدترین مردم کسی است که از نمازش بدزدد (یعنی کم کند).^۲

۱- داستان‌های شیرین نماز، ص ۵۰

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴

آیت الله دستغیب و نماز

با شهید بزرگوار، آیت الله دستغیب، برای انجام حج عمره هم سفر بودیم، هواپیما از تهران به طرف بیروت پرواز کرد، تا از آنجا عازم جدّه شویم. در فرودگاه بیروت چند ساعتی معطل شدیم. اذان مغرب بود که هواپیما آماده‌ی پرواز شد.

شهید دستغیب خیلی سعی می‌کرد نماز مغرب و عشاء را اوّل وقت بخواند، اما درهای هواپیما بسته بود و نمی‌شد کاری کرد. ایشان چند بار خواستند که پیاده شوند که مانع شدند. تأخیر هواپیما به حدی انجامید که اگر به جدّه می‌رسیدیم، نماز قضا می‌شد.

شهید دستغیب از اینکه نمی‌توانست به نمازش برسد خیلی ناراحت بود. ما نیز تشویش داشتیم. ولی ایشان خیلی نگران فوت نماز بود. موتور هواپیما که روشن بود، یک دفعه با نقص فنی رو به رو شد. خدمه‌ی هواپیما ناگهان درب هواپیما را باز کردند تا نقص هواپیما برطرف شود. همه پیاده شدیم.

شهید دستغیب از این که به نمازش می‌رسید، خیلی خوشحال بود. ما هم خوشحال بودیم. خدمه می‌گفتند: شاید چند ساعت طول بکشد تا هواپیما آماده‌ی پرواز شود. نماز را که خواندیم، خبر دادند که هواپیما آماده‌ی پرواز است، سوار شوید. من هنوز در حیرت این راز بودم که میان نماز شهید و نقص هواپیما چه سری نهفته است.^۱

۱- قصه‌های نماز، ص ۱۳۲

نماز و عبادت آیت الله صدوقی

فرزند شهید محراب آیت الله صدوقی در باره‌ی عبادت‌های پدر می‌گوید: « با اینکه پدرم کارش سخت و زیاد بود، هرگز از دعا و ذکر و مناجات غفلت نمی‌کرد. تمام دعاهای مستحبی را می‌خواند. نمازهای مستحبی را به جا می‌آورد و هرگز زیارت عاشورا را ندیدم که ترک کند. نماز شب را همیشه می‌خواند، به طوریکه مادرم می‌گوید: یاد ندارم که نماز شبش ترک شده باشد. ایشان به تمام مستحبات و نوافل مقید بود».^۱

نماز شهید رجایی

یکی از دوستان نزدیک شهید رجایی چنین می‌گوید:
یک روز حدود ظهر، نزد شهید بزرگوار رجایی بودم که صدای اذان شنیده شد. در حالی که ایشان از جایشان حرکتی کرده، می‌خواستند خود را برای اقامه‌ی نماز آماده کنند، یکی از خدمتگزاران وارد اتاق شد و گفت: غذا آماده است، سرد می‌شود، اگر اجازه می‌فرمایید بیاورم.

شهید رجایی فرمودند: خیر! بعد از نماز.
هنگامی که خدمتگزار از اتاق خارج شد، ایشان با چهره‌ای متبسم و دلی آرام خطاب به من فرمودند: عهد کرده‌ام هیچ وقت قبل از نماز ناهار نخورم، اگر زمانی ناهار را قبل از نماز بخورم، یک روز

۱- قصه‌های نماز، ص ۱۳۲

روزه می‌گیرم.^۱

تأثیر نماز جماعت در جوان آمریکایی

یک جوان آمریکایی می‌گوید: از منطقه‌ی مسلمان نشین عبور می‌کردم، رسیدم به یک محله‌ای و توقف کردم، دیدم شخصی با صدای زیبا کلماتی مانند: « اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ » را می‌گوید و مردم فوج فوج به آن محل می‌آیند و کنار یکدیگر می‌نشینند و هر لحظه که می‌گذشت بر تعداد جمعیت هم افزوده می‌شد. به جمعیت نگاه کردم و دیدم شکل های اینها با هم مختلف است. سیاه، سفید، زرد و همچنین لباس‌هایشان هم با هم فرق داشت و فقیر و غنی همه در کنار یکدیگر با صفا و صمیمیت قرار داشتند، اینها عملی را با هم انجام دادند و بعد از کنار یکدیگر جدا شدند .

سوال کردم: این چه عملی بود؟ و اینها چه مذهبی را دارند؟
جواب داده شد: اینها مسلمان می‌باشند و این هم یکی از برنامه های اسلامی آنان است که نامش نماز جماعت می‌باشد. خیلی برایم جالب بود، از اول برنامه تا آخرش صفا و صمیمیت و محبت در میان آن افراد مشاهده شد و لذا پس از آن حالت، تحوّل به من دست داد و بعد از مدتی مسلمان شدم.^۲

۱- قصه‌های نماز، ص ۱۵۰

۲- قصه‌های نماز، ص ۱۵۰

نماز عباد بن بشر

در جلد دوم سفینة البحار نقل شده در یکی از غزوات که رسول خدا (ص) همراه لشکر بودند و در شبی که پاسبانی لشکر اسلام بر عهده‌ی عباد بن بشر و عمّار یاسر (هر دو از صحابه پیامبر (ص)) بودند نصف اول شب نصیب عباد گردید و نصف دوم نصیب عمّار. پس عمّار خوابید و تنها بشر بیدار بود و مشغول نماز گردید. در آن حال یکی از کفار به قصد شبیخون زدن به لشکر اسلام برآمد، به خیال اینکه پاسبانی نیست و همه خوابند. از دور عباد را دید ایستاده و تشخیص نمی‌داد که انسان است یا حیوان یا درخت، برای اینکه از طرف او نیز مطمئن شود تیری به سوی او انداخت. تیر بر پیکر عباد نشست و او ابداً اعتنایی نکرد، تیر دیگری به او زد و او را سخت مجروح و خونین نمود، باز حرکت نکرد. تیر سوم زد پس نماز را کوتاه نمود و تمام کرد و عمّار را بیدار نمود و عمّار دید سه تیر بر بدن عباد نشسته و او را غرق در خون کرده گفت: چرا در تیر اول مرا بیدار نکردی؟ عباد گفت: مشغول خواندن سوره‌ی کهف در نماز بودم و میل نداشتم آن را ناتمام بگذارم و اگر نمی‌ترسیدم که دشمن بر سرم برسد و صدمه‌ای به پیامبر (ص) برساند و کوتاهی در این نگرهبانی که به من واگذار شده کرده باشم، هرگز نماز را کوتاه نمی‌کردم اگرچه جانم را از دست می‌دادم.^۱

۱- گناهان کبیره، ج ۲، ص ۱۷۵- سفینة البحار، ج ۲، ص ۱۴۵

نماز و روزه بانویی ارجمند

سیده‌ی نفیسه دختر حسن بن زید است که او پسر امام حسن مجتبی^(ع) است. سید مومن شبلنجی در نورالابصار و شیخ محمد صبان در اسعاف الراغبین نقل کرده‌اند که سیده‌ی نفیسه سال ۱۴۵ در مکه متولد شد و در مدینه نشو و نما کرد روزها پیوسته روزه می‌گرفت و شب‌ها را به عبادت به سر می‌برد و دارای ثروتی بود. به زمین‌گیران و مریضان و عموم مردم احسان می‌کرد و سی مرتبه به حج مشرف شد که اکثر آن با پای پیاده بود. زینب دختر برادر نفیسه گفت چهل سال تمام عمه ام را خدمت کردم و در این مدت ندیدم شبی بخوابد و یا روزی افطار کند پیوسته شب‌ها را به قیام و روزها را به روزه می‌گذراند. به او گفتم: با خود مدارا نمی‌کنی؟ جواب داد: چگونه با نفسم مدارا کنم با اینکه در جلو عقباتی دارم که از آنها نمی‌گذرند مگر مردمان رستگار.

جناب نفیسه از شوهر خود اسحق دو فرزند یکی به نام قاسم و دیگری ام کلثوم داشت. سالی با شوهرش به زیارت حضرت ابراهیم خلیل مشرف شد و در مراجعت به مصر در منزلی سکنی گرفت. در همسایگی آنها دختر یهودیه‌ای نابینا بود. یک روز به آب وضوی نفیسه تبرک جست، در همان آن چشمش روشن شد. یهودیان بسیاری اسلام آوردند و اهل مصر در حق آن مخدره بسیار عقیده‌مند شدند. از نفیسه خواهش کردند در مصر توقف کند. به زیارت او مشرف می‌شدند و برکاتی می‌دیدند. در مصر توقف نمود

تا در همانجا از دنیا رفت.

آن مخدره قبری به دست خویش برای خود کنده بود پیوسته در آن قبر داخل می‌شد، نماز می‌خواند و قرآن تلاوت می‌کرد تا اینکه شش هزار ختم قرآن در آن قبر نمود در ماه رمضان سنه ۲۰۸ از دنیا رفت. هنگام احتضار روزه بود او را امر به افطار کردند فرمود: وا عجباً! سی سال تا به حال که از خداوند تعالی مسئلت می‌کنم با حالت روزه از دنیا بروم اکنون که روزه هستم افطار کنم؟! شروع کرد به خواندن سوره انعام، همین که رسید به آیه‌ی مبارکه‌ی ۱۲۷ لَّهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ « آنها را نزد خدا دار سلامت و خانه‌ی آسایش است » از دنیا رفت.

پس از فوت نفیسه مردم از دهات و شهرهای مصر اجتماع کردند، شمع‌های بسیاری در آن شب روشن نمودند از هر خانه‌ای که در مصر بود صدای گریه شنیده می‌شد همه در ماتم آن بانوی ارجمند غمناک و افسرده بودند جمعیتی بر جنازه نماز خواندند که سابقه نداشت. تمام بیابان را پر کرده بودند. در همان قبری که به دست خود حفر کرده بود دفن شد. نقل شده که بعد از وفات نفیسه شوهرش اسحق موتمن پسر حضرت صادق^(ع) خواست بدن او را به مدینه‌ی معظمه نقل دهد و در بقیع دفن نماید اهل مصر اجتماع نموده درخواست کردند که آن مُخدره را در مصر بگذارد برای تبرک و تیمن و مال بسیاری بذل کردند اسحق راضی نشد تا آنکه در خواب پیغمبر^(ص) را دید که فرمود در باره‌ی نفیسه با اهل مصر

معارضه نکن به واسطه‌ی برکت او بر آنها رحمت نازل می‌شود.^۱
بار الهی، ما و فرزندانمان را از نمازگزاران واقعی مقرر فرما،
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۱- پند تاریخ، ص ۲۳۳-۲۳۱

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- بحار الانوار ، محمد باقر مجلسی
- ۴- وسائل الشیعه ، حرّ عاملی
- ۵- تفسیر نمونه ، ناصر مکارم شیرازی
- ۶- سر الصلاة، امام خمینی(ره)
- ۷- آزادی معنوی، مرتضی مطهری
- ۸- پیام مقام معظم رهبری به اجلاس سراسری نماز سال ۱۳۷۰
- ۹- پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی
- ۱۰- تفسیر کبیر، فخر رازی
- ۱۱- نماز نیاز من، سید حسن موسوی خراسانی
- ۱۲- چیستی، چرایی و چگونگی نماز، اکبر سنائی فر - سلمان سلگی
- ۱۳- قصّه های نماز، عباس عزیزی
- ۱۴- پند تاریخ ، موسی خسروی
- ۱۵- منتهی الآمال، شیخ عباس قمی
- ۱۶- مستدرک الوسائل، محدث نوری
- ۱۷- محجة البیضاء، ملا حسین فیض کاشانی
- ۱۸- فلاح المسائل، سید ابن طاووس
- ۱۹- برگگی از دفتر آفتاب، رضا باقی زاده
- ۲۰- مکارم الاخلاق، شیخ طبرسی
- ۲۱- نمونه های معرفت ، سید مرتضی توسلیان
- ۲۲- نماز شناسی، حسن راشدی

- ۲۳- عرفان اسلامی، حسین انصاریان
- ۲۴- داستان های شیرین نماز، مجیدرضا نوروزی
- ۲۵- جلاء العیون، محمد باقر مجلسی
- ۲۶- بهترین پناهگاه، رحیم کارگر محمدیاری
- ۲۷- استعاذه، سید عبدالحسین دستغیب
- ۲۸- من لا یحضر، شیخ صدوق
- ۲۹- ثواب الاعمال، شیخ صدوق
- ۳۰- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی
- ۳۱- سفینة البحار، شیخ عباس قمی
- ۳۲- کنز العمال، علی ابن حسام (متقی هندی)
- ۳۳- توضیح المسائل ۱۲ مرجع، گردآورنده: بنی هاشمی خمینی
- ۳۴- تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)
- ۳۵- توضیح المسائل، امام خمینی (ره)
- ۳۶- وافی، ملا حسین فیض کاشانی
- ۳۷- گناهان کبیره، سید عبدالحسین دستغیب
- ۳۸- احادیث موضوعی نهج الفصاحه، کریم جوانشیر
- ۳۹- میزان الحکمه، محمدی ری شهری
- ۴۰- فروغ کافی، ابی جعفر کلینی
- ۴۱- مصباح الشریعه، حسن مصطفوی
- ۴۲- غزلیات سعدی
- ۴۳- مثنوی معنوی، مولوی

Filename: نماز، انس با خدا ء
Directory: K:\نماز انس با خدا
Template: D:\Documents and Settings\I D E A L\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title:
Subject:
Author: MRT
Keywords:
Comments:
Creation Date: ٥/٢٣/٢٠٠٣ ٧:٤٨:٠٠ PM
Change Number: ٩
Last Saved On: ٥/٣٠/٢٠٠٣ ٩:٥٨:٠٠ PM
Last Saved By: NPSoft
Total Editing Time: ١٣٦ Minutes
Last Printed On: ٦/٩/٢٠٠٣ ١١:٢٠:٠٠ AM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: ٧٨
Number of Words: ٩,٦٨٦ (approx.)
Number of Characters: ٥٥,٢١١ (approx.)